

مالیات؛ سپر دولت در برابر موانع سخت

در شرایطی که اقتصاد ایران همزمان با محدودیت منابع، فشارهای بودجه‌ای و دشواری فعالیت بخشی از بنگاه‌ها روبه‌روست، ترکیب منابع درآمدی دولت اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. هرچه سهم منابع پایدار و قابل پیش‌بینی در بودجه بیشتر باشد، دولت برای تأمین هزینه‌های جاری و انجام تعهدات خود کمتر ناچار می‌شود به منابعی متوسل شود که می‌توانند آثار تورمی، بی‌ثباتی یا وابستگی بیشتری ایجاد کنند.

از این منظر، تازه‌ترین آمار عملکرد مالیاتی پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵ فقط یک عدد در جدول وصول درآمدها نیست؛ بلکه نشانه‌ای از ظرفیت نظام مالیاتی برای ایفای نقش پررنگ‌تر در عبور کم‌هزینه‌تر اقتصاد از دوره‌های دشوار است.

بر اساس اعلام سازمان امور مالیاتی، در پنج‌ماهه نخست اسمال ۷۹۹ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان، درآمد مالیاتی وصول شده است. این رقم در مقایسه با حدود ۵۱۲ هزار میلیارد تومان دوره مشابه سال گذشته، ۵۶ درصد و دو دهم درصدی نشان می‌دهد. در همان حال، درآمد مالیاتی مصوب در بودجه ۱۴۰۵ حدود ۲۸۲۰ هزار میلیارد تومان عنوان شده؛ رقمی که در مقایسه با حدود ۱۸۲۰ هزار میلیارد تومان بودجه سال گذشته به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته است.

وقتی دولت مدعی است درآمد نفتی کاهش یافته، آمار وصول مالیاتی حاکی از آن است که وضع درآمد ریالی دولت خیلی هم بد نیست و می‌تواند بسیاری از امور را به پشتوانه این درآمدها پیش ببرد.

دو عده، یک پیام

در نگاه نخست، رشد ۵۶ و دو دهم درصدی وصول مالیاتی می‌تواند مهم‌ترین بخش این آمار تلقی شود. افزایش نزدیک به ۲۸۸ هزار میلیارد تومانی درآمد مالیاتی در فاصله یک سال، آن هم در شرایطی که فعالیت بخشی از کسب‌وکارها با محدودیت روبه‌رو بود و برخی مواعد مالیاتی نیز تمدید شده، از افزایش ظرفیت نظام مالیاتی برای تأمین منابع دولت حکایت دارد.

با این حال، سوی دیگر تصویر نیز باید دیده شود. اگر رقم سالانه ۲۸۲۰ هزار میلیارد تومانی بودجه به‌صورت ساده و کنکاوخت میان ماه‌های سال تقسیم شود؛ سهم پنج‌ماهه نخست حدود ۱۱۶۶ هزار میلیارد تومان خواهد بود. بر این مینا، وصول ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی معادل حدود ۶۹ درصد این سهم زمانی است و حدود ۳۶۶ هزار میلیارد تومان فاصله باقی می‌ماند. این محاسبه نشان می‌دهد که با وجود رشد بالای وصول، دستیابی به رقم سالانه بودجه همچنان به عملکرد قوی در ماه‌های آینده نیاز دارد.

وقتی دولت مدعی است در آمد نفتی کاهش یافته، آمار وصول مالیاتی حاکی از آن است که وضع درآمد در ریالی دولت خیلی هم بد نیست و می‌تواند بسیاری از امور را به پشتوانه این درآمدها پیش ببرد.

اما نکته مهم این است که نسبت ۶۹ درصد را نباید به‌پتهایی معادل «عدم تحقق هدف پنج‌ماهه» دانست. وصول مالیات در طول سال الزاماً توزیع کنکاوخت ماهانه ندارد و بخش مهمی از وصول‌ها به تقویم اظهارنامه‌ها، رسیدگی‌ها و سررسید تکالیف مالیاتی وابسته است. اسمال نیز شماری از مواعد قانونی تمدید شده و زمان انجام تکلیف برخی گروه‌ها به ماه‌های بعد انتقال یافته است. بنابراین بخشی از وصولی که در شرایط عادی می‌توانست در ماه‌های نخست ثبت شود، عملاً به ماه‌های بعد منتقل خواهد شد. همین دلیل، اهمیت نیمه دوم سال را افزایش می‌دهد. اگر نظام مالیاتی بتواند همزمان با حفظ ملاحظات تولید و کسب‌وکار، وصول‌های منتقل‌شده را محقق و پایه‌های مغفول یا فرارهای مالیاتی را بیشتر شناسایی کند، فاصله موجود نیز می‌تواند بدون وارد کردن فشار مضاعف بر مؤدیان شناسنامه‌دار کاهش یابد.

چرا مالیات برای دولت مهتر شده است؟

اهمیت رشد درآمد مالیاتی را باید فراتر از جدول عملکرد یک دستگاه دید. دولت برای اداره کشور به منابع نیاز دارد و در نهایت، فاصله میان هزینه‌ها و درآمدها باید از مسیری تأمین نشود. در اقتصاد ایران بخشی از این منابع به‌طور سنتی به درآمدهای نفتی وابسته بوده است؛ درآمدی که تحت تأثیر قیمت جهانی، مقدار صادرات و شرایط بیرونی قرار دارد و از درجه پیش‌بینی‌پذیری پایین‌تری نسبت به درآمدهای پایدار داخلی برخوردار است.

از سوی دیگر، اگر کسری بودجه به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به افزایش پایه پولی و خلق نقدینگی منتهی شود، هزینه آن می‌تواند در قالب تورم به کل جامعه منتقل شود. افزایش بدهی نیز در صورت عبور از ظرفیت‌های اقتصاد، هزینه تأمین مالی سال‌های بعد را بالا می‌برد. به همین دلیل، گسترش درآمد مالیاتی، عادلانه و پایدار، در کنار انضباط هزینه‌های دولت، یکی از کم‌هزینه‌ترین راه‌ها برای کاهش آسیب‌پذیری بودجه است.

البته این گزاره یک شرط اساسی دارد؛ افزایش درآمد مالیاتی نباید صرفاً از طریق بالا بردن فشار بر همان گروه‌های شفاف و خوش‌حساب حاصل شود. اگر رشد مالیات به افزایش نرخ‌ها یا تشدید مطالبه از تولیدکنندگان و فعالان رسمی اقتصاد محدود شود، خود می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش فشار اقتصادی منجر شود. مزیت واقعی نظام مالیاتی زمانی آشکار می‌شود که درآمد بیشتر از مسیر گسترش پایه مالیاتی، شناسایی فعالیت‌های پنهان، کاهش فرار، حذف زرمینه‌های صدور اسناد صوری و افزایش دقت داده‌ها تأمین شود.

بانک‌های مرکزی بزرگ در سایه شوک قیمت انرژی که

پس از تجاوز نظامی آمریکایی صهیونی به ایران ایجاد شد؛ در مسیر اتخاذ سیاست‌های انقباضی (سخت‌گیرانه) قرار دارند. در همین راستا، فدرال رزرو، سیاست‌های خود را به سمت رویکردی محدودکننده‌تر تغییر داد؛ آن هم در شرایطی که معامله‌گران همچنان واکنش سیاسی تشدیدتری را نسبت به آنچه در پیش‌بینی نرخ بهره بهره فدرال رزرو (موسوم به «دات‌پلات») آمده است، پیش‌بینی می‌کنند.

اقتصاددانان معتقدند بازارها در حال لحاظ کردن زودهنگام افزایش‌های آتی نرخ بهره با مقادیری بیش از حد واقعی هستند. این وضعیت ناشی از نگرانی‌هایی است که مبادا شوک افزایش قیمت نفت تشدید شود.

رویتزر در گزارشی، وضعیت بانک‌های مرکزی گروه ۱۰ اقتصاد توسعه‌یافته (G۱۰) بر اساس رتبه‌بندی نرخ بهره سیاستی (از بالاترین به پایین‌ترین) را بررسی کرده است: بانک مرکزی استرالیا در سال جاری، سه نوبت نرخ بهره را افزایش داده و آن را به چهار و ۳۵ صدم درصد رسانده است؛ اقدامی که عملاً تمام کاهش‌های نرخ بهره در سال گذشته را خنثی کرده است.

احتمال افزایش مجدد نرخ بهره همچنان بسیار بالاست؛ به‌ویژه پس از انتشار آمار تورم نسبتاً بالای ماه ژوئیه. معاون بانک مرکزی اعلام کرد که سیاست‌گذاران در نشست اواخر همین ماه، موضوع افزایش نرخ بهره را بررسی خواهند کرد. انتظار عمومی بازارها این است که بانک مرکزی در نشست آبی خود، نرخ بهره را افزایش دهد.

بانک مرکزی نیوزیلند هم اوایل ماه جاری میلادی، مطابق با انتظارات، برای دومین جلسه پیاپی نرخ بهره را به دو و ۷۵ صدم درصد افزایش داد اما این بانک همچنین اشاره کرد که با افزایش ریسک‌های مربوط به چشم‌انداز اقتصادی، احتمالاً اقدامات انقباضی بعدی با احتیاط و سنجیدگی بیشتری انجام خواهد شد.

در همین حال، جدیدترین داده‌های رشد اقتصادی فراتر از انتظارات بود و نشان‌دهنده تاب‌آوری اقتصاد است. بازارها حداقل یک افزایش دیگر تا پایان سال را در قیمت گذاری‌های خود لحاظ کرده‌اند.

وضعیت وخیم زاین

بانک مرکزی زاین روز جمعه، مطابق با پیش‌بینی، نرخ بهره را با افزایشی به بالاترین سطح خود در ۲۱ سال گذشته، یعنی یک و ۲۵ صدم درصد رساند و ضمن هشدار درباره گسترش فشارهای قیمتی، اعلام کرد که آماده ادامه روند افزایش هزینه‌های استقراضی است.

با این حال، بازارها موضوع بانک مرکزی زاین را به وضوح «انقباضی» تلقی نکردند؛ زیرا دو عضو مخالف با رویکردی «سیاسی» وجود داشتند و همین امر باعث شد سرمایه‌گذاران نسبت به مسیر احتمالی نرخ بهره در آینده، همچنان در وضعیت بلاتکلیفی و نگرانی به سر ببرند. آخرین برآوردهای بازار حاکی از احتمال بالای یک نوبت دیگر افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی زاین در سال

اقتصاددانان معتقدند بازارها در حال لحاظ کردن زودهنگام افزایش‌های آتی نرخ بهره با مقادیری بیش از حد واقعی هستند. این وضعیت ناشی از نگرانی‌هایی است که مبادا شوک افزایش قیمت نفت تشدید شود.

اقتصادی

صفحه ۱۲

سه‌شنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۵

۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۷۴۱

اشتباه اقتصادی برخی دولت‌ها در ایران



مسئله امروز این نیست که آیا اقتصاد ایران به اصلاح نیاز دارد یا نه؛ مسئله این است که چه کسی باید هزینه اصلاح را بپردازد؟ مردمی که سال‌هاست زیر فشار تورم، اجاره، کاهش ارزش پول و کوچک‌شدن سفره زندگی می‌کنند، نمی‌توانند دوباره نصیحتن قربانی هر اصلاح اقتصادی باشند. دولت در این مسیر دست کم پنج خطای مهم داشته که باید درباره آنها صریح سخن گفت.

اقتصاد را نمی‌توان با گران کردن زندگی مردم اصلاح کرد. اقتصاد ایران بیمار است؛ این را دیگر کسی انکار نمی‌کند. کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها، کاهش ارزش پول ملی، مصرف بالای انرژی، قاچاق سوخت، ضعف تولید و ناکارآمدی نظام توزیع، همه نشانه‌های یک بیماری مزمن‌اند. دولت نیز وارث اقتصادی نیست که خود ساخته باشد. اما وارث بسوند، مسئولیت درمان را از دولت ساقط نمی‌کند. اتفاقاً دولتی که با شعار اصلاح امور آمده، باید بیش از دیگران مراقب باشد که نسخه‌های قدیمی را با نام‌های تازه تکرار نکند.

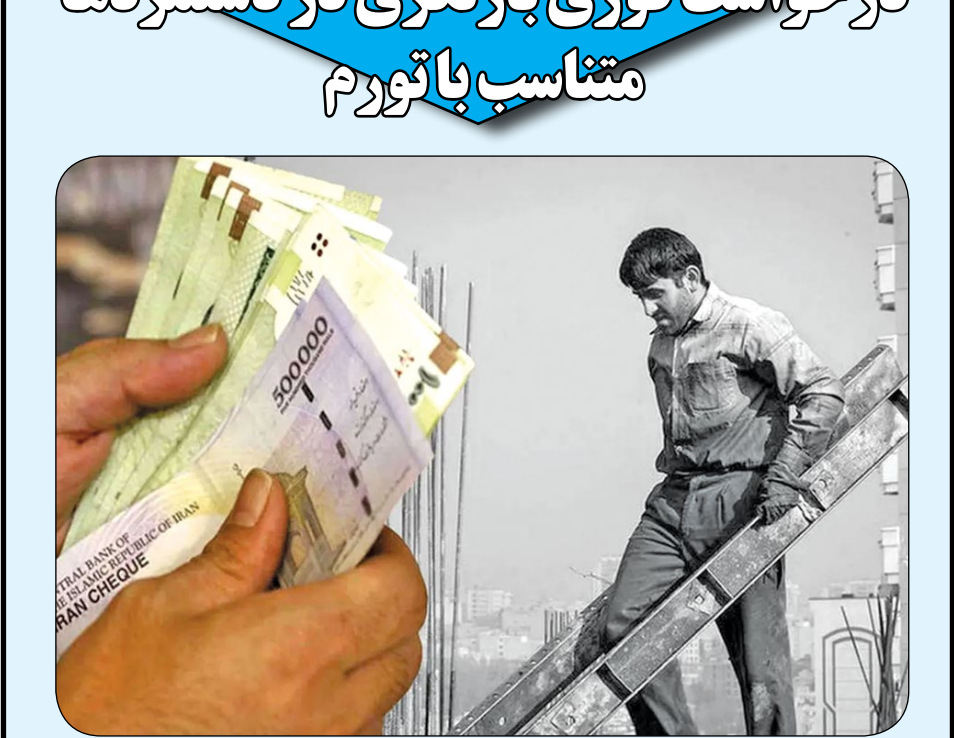
مسئله امروز این نیست که آیا اقتصاد ایران به اصلاح نیاز دارد یا نه؛ مسئله این است که چه کسی باید هزینه‌ی اصلاح را بپردازد؟ مردمی که سال‌هاست زیر فشار تورم، اجاره، کاهش ارزش پول و کوچک‌شدن سفره زندگی می‌کنند، نمی‌توانند دوباره نصیحتن قربانی هر اصلاح اقتصادی باشند. دولت در این مسیر دست کم پنج خطای مهم داشته که باید درباره آنها صریح سخن گفت.

اولین اشتباه
اولین اشتباه تصور این است که که افزایش قیمت، مساوی اصلاح اقتصاد است. سال‌هاست ساده‌ترین راه مواجهه با ناترازی‌ها، گران کردن است. انرژی ارزان است؟ گرانش کنیم. ارز چقدر خنثی است؟ نرخ را بالا ببریم. درآمد دولت کم است؟ مالیات را بیشتر کنیم. بنزین قاچاق می‌شود؟ قیمت را افزایش دهیم.

اما اقتصاد با افزایش قیمت اصلاح نمی‌شود؛ اگر اصلاحات از افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه تولید و مبارزه با اتلاف آغاز نشود، افزایش قیمت فقط هزینه را از یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌کند.

نمونه روشن آن بنزین است. بنزین فقط یک قلم در سبد مصرف خاور نیست. افزایش هزینه سوخت به حمل‌ونقل، تولید و توزیع منتقل می‌شود و در نهایت به قیمت کالاها بازمی‌گردد. در ماه‌های اخیر نیز بحث‌های متعددی درباره شیوه اصلاح مصرف و قیمت بنزین مطرح شده است. سؤال اینجاست: چرا پیش از آنکه قیمت بنزین را اصلاح کنیم، خودروهای پرمصرف، حمل‌ونقل عمومی فرسوده، اتلاف انرژی و ناکارآمدی تولید را اصلاح نمی‌کنیم؟

درخواست فوری بازنگری در دستمزدها متناسب با تورم



سعید فتاحی؛ فعال کارگری با تحلیل وضعیت معیشتی نیروی کار گفت: بدون تضمین قدرت خرید کارگران، دستیابی به بهره‌وری و رونق تولید در چرخه اقتصادی امکان‌پذیر نیست. وی خواستار به‌روزرسانی فوری دستمزدها همگام با نرخ تورم شد.

او به بررسی چالش‌های پیش روی کارگران پرداخت و با اشاره به رابطه مستقیم میان سطح درآمد و خروجی تولید، خاطرنشان کرد: افزایش حقوق و ارتقای قدرت خرید، تنها یک مسئله رفاهی نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی تأمین نیروی کار متخصص و افزایش بهره‌وری در بنگاه‌های تولیدی است.

فعال کارگری افزود: رونق تولید و پایداری اقتصاد، مستقیماً با توان مالی کارگران در پیوند است. زمانی که قدرت خرید کارگر کاهش می‌یابد، در واقع موتور محرک تولید با نقص مواجه می‌شود. بنابراین، افزایش حقوق و حفظ قدرت خرید، ابزاری استراتژیک برای بازگشت تولید به مسیر رشد است.

فتاحی با اشاره به فشار فراینده هزینه‌های زندگی بر دوش کارگران، بر ضرورت بازنگری در ساختار دستمزدها تأکید کرد و ادامه داد: با توجه به نرخ بالای تورم که در بازار مشهود است، دستمزدها نباید در وضعیتی ثابت باقی بمانند. ما خواستار آن هستیم که فرایند به‌روزرسانی دستمزدها به شکلی انجام شود که با نرخ واقعی تورم همگام باشد تا از فرسایش تدریجی حقوق کارگران جلوگیری شود.

وی افزود: اصلاح دستمزد نباید صرفاً یک افزایش عددی ساده باشد، بلکه باید «اصلاح ساختاری برای جبران کاهش قدرت خرید» باشد.

فعال کارگری به راهکار مقابله با تنش‌های اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد و ادامه داد: ارتقای سطح معیشت کارگران می‌تواند به عنوان یک ضربه‌گیر در برابر بحران‌های اقتصادی عمل کند.

فتاحی تصریح کرد: بسیاری از مشکلات و چالش‌های اقتصادی در سطح جامعه، ریشه در کمبود توان مالی نهادهای تولیدی و کارگران دارد. با افزایش قدرت خرید کارگران، علاوه‌بر کاهش فشار اقتصادی بر خواروار، چرخه مصرف و تولید نیز تقویت می‌شود. در واقع، با توانمندسازی کارگر، ما به طور همزمان در حال مدیریت تنش‌های اقتصادی و ایجاد ثبات در بازار هستیم.

وی تأکید کرد: سیاست‌گذاران اقتصادی باید میان «هزینه تولید» و «معیشت کارگر» تعادلی پایدار برقرار کنند؛ تعادلی که در آن، حقوق کارگر نه به عنوان یک بار مالی، بلکه به عنوان سرمایه‌گذاری برای تضمین آینده تولید و رونق اقتصادی کشور نگریسته شود.

خبرگزاری تسنیم